

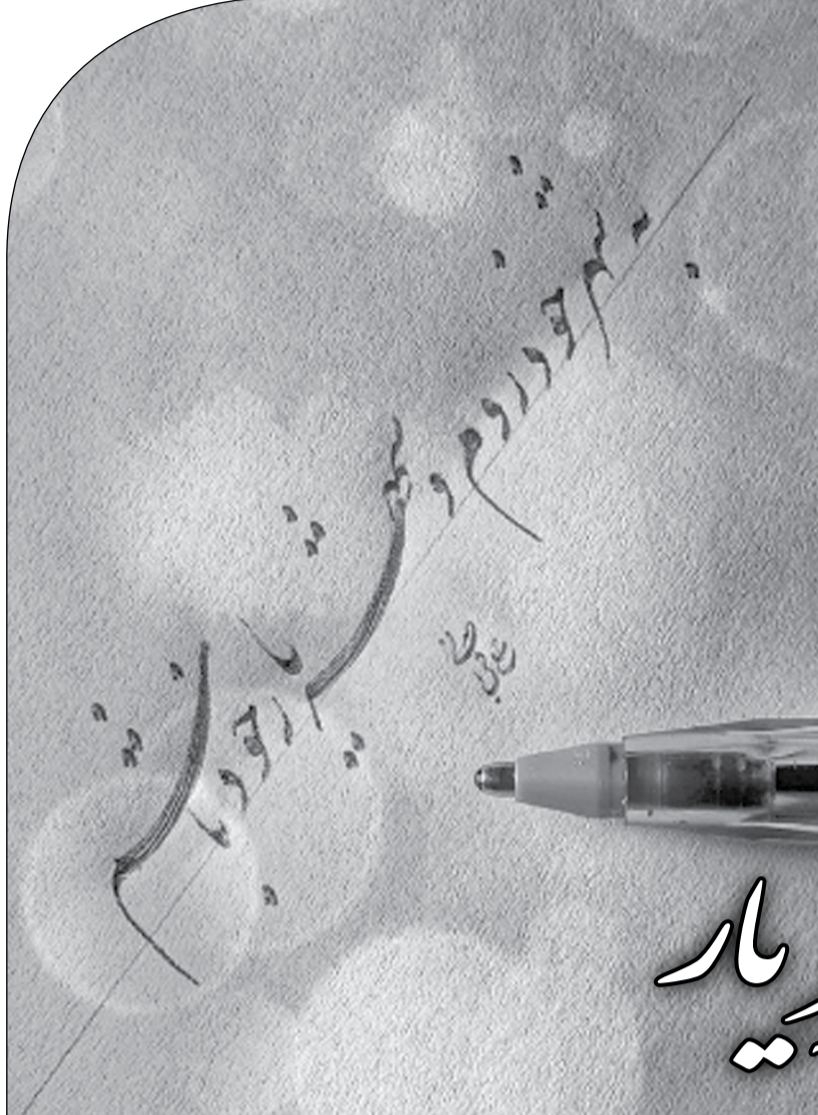


فرد درست‌کردار و نیکوگفتار و پسندیده‌افکار باشد. از معاصی دوری کرده و به اعمال ثواب مشغول باشد. این مسیر و راه «شهر یار» است و در این صورت و از این مسیر است که فرد «شهریار» خواهد شد.

اگر آدمی از این مسیر رفت و به دیار حبیب رسید آنگاه از «محرمان سرسرابده وصال» خواهد شد و به مقام معنای «بندگی» نایل می‌آید. در این باره حکایتی پس دلنشین از امام موسی کاظم(ع) وجود دارد که شنیدنی است. «بشر حافی» یکی از اشراف‌زادگان بود که شیانه‌روز به عیاشی و فسق و فجور اشتغال داشت. خانه‌اش مرکز عیش و نوش و رقص و غنا و فساد بود که صدای آن از بیرون شنیده می‌شد. روزی از روزها که در خانه‌اش مغفل و مجلس گناه برپا بود، کنیزش با ظرف خاک‌روبه، در منزل آمد تا آن را خالی کند که در این هنگام حضرت موسی بن جعفر(ع) از در آن خانه عبور کرد و صدای ساز و رقص به گوشش رسید. از کنیز پرسید: «صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟» کنیز جواب داد: البته که آزاد است. امام فرمود: «راست گفتی؛ زیرا اگر بنده بود، از مولای خود می‌ترسید و این چنین در معصیت گستاخ نمی‌شد.» کنیز به داخل منزل برگشت. بشر که بر سفرفه شراب نشسته بود از کنیز پرسید: چرا دیر آمدی؟ کنیز داستان سؤال مرد ناشناس و جواب خودش را نقل کرد. بشر پرسید: این مرد در نهایت چه گفت؟ کنیز جواب داد: آخرین سخن آن مرد، این بود: «راست گفتی، اگر صاحب خانه آزاد نبود (و خودش را بنده خدا می‌دانست)، از مولای خود می‌ترسید و در معصیت، این چنین گستاخ نبود.»

سخن کوتاه حضرت موسی بن جعفر(ع) همانند تیر بر دل او نشست و مانند جرقه آتش، قلبش را نورانی و دگرگون ساخت. سفره شراب را ترک کرد

و با پای برهنه بیرون دويد تا خود را به مرد ناشناس برساند. دوان‌دوان خودش را به حضرت موسی بن جعفر(ع) رسانید و عرض کرد: آقای من! از خدا و از شما معذرت می‌خواهم. آری، من بنده خدا بودم و هستم، لیکن بندگانِ خودم را فراموش کرده بودم، بدین‌جهت چنین گستاخانه معصیت می‌کردم، ولی اکنون به بندگی خودی پی بردم و از اعمال گذشته‌ام توبه می‌کنم. آیا توبه‌ام قبول است؟ حضرت فرمود: «آری، خدا توبه‌ات را قبول می‌کند. از گناهان خود خارج شو و معصیت را برای همیشه ترک کن.» آری، بشر حافی توبه کرد و در سلک عابدان و زاهدان و اولیای خدا درآمد و به شکرانه این نعمت، تا آخر عمر با پای برهنه راه می‌رفت. امام در حقیقت با سخن گریه‌بار خویش خوش‌تراست تا به او بپهچاند که آزادی حقیقی در راهی از تعلقات دنیا و در بندگی خداست...



این چنین از آنجا سخن می‌گوید و با چنین حرارتی از عزم و اراده سفر به آن دیار حکایت می‌کند؛ در پاسخ این سؤال باید گفت که ما را و مسیر آینده ما را و رفتار و اعمال و گفتار ما را «دوست داشتن‌ها» در شرایط سخت برای او مانند پادشاهی و «شهریار» است. در بیت حافظ نکته‌ای زیبا وجود دارد و آن نستی است که کلمات «شهر خود» و «شهر یار» دارند. او از دو عبارت مذکور استفاده کرده که اولی از این قرار است: «شهر خود» و دومی را می‌توان این‌گونه هم دید: «شهر یار». گوئی حافظ می‌خواهد به این شکل به ما بگوید که «شهر خودش» و «شهر یارش» یکی هستند.

شاید این پرسش پیش آید که به هر صورت وقتی در این دنیا هستیم در بند جسم عنصری (جسم مادی) هستیم و با این وجود اساسا سفر و عزیمت به آن دیار غیرممکن است پس چرا شاعر

آورد کجا بوده و به کجا رفته است. عرفا به همین خاطر از عموم مردمان پیش‌تر هستند. این یعنی آنها پیش از آنکه به مرگ و سپس دریافت مفاهیم فوق پررسند خود زودتر به کشف و فهم و درک مبانی می‌پردازند. این دست حقایق اگر برای مردمان دیگر در زمانی رخ می‌نماید که روح آنها از زندان تر رهایی یافته اما عارف با «شوق و بهزیز و جهد و توکل» به این مفاهیم دست می‌یابد. شوق به سخن گفتن با خداوند و یا عبادت او، پرهیز را آنچه لوح ضمیرش را الوده و چشم حقیقت پیشش را کدر می‌کند، جهد در مسیر دو مورد قبلی که عرض شد و نیز کسب علم و معرفت و همچنین توکل به خداوند یکی از معانی این غزل مولوی همین باشد که می‌خواهد به مخاطبان شعرش بگوید سستی و تلاش کنید تا آن حقایقی که پس از مرگ بر شما آشکار خواهد شد را در مدت زندگانی خویش دریابید: **در این عشق چه مریدید در این عشق چه مریدید** همه روح پذیرید

حاشیه‌نگاری بر بیتی از حافظ / ۲۷

غم غربی و شیر یار

یعنی به سوی خداوند بگریزید... برای عاشق اگر همه آن ناز و نعمت به قیمت دوری از معشوق باشد چیزی جز دل‌تنگی به همراه ندارد به همین نسبت بودن در کنار معشوق حتی در شرایط سخت برای او مانند پادشاهی و «شهریار» است. در بیت حافظ نکته‌ای زیبا وجود دارد و آن نستی است که کلمات «شهر خود» و «شهر یار» دارند. او از دو عبارت مذکور استفاده کرده که اولی از این قرار است: «شهر خود» و دومی را می‌توان این‌گونه هم دید: «شهر یار». گوئی حافظ می‌خواهد به این شکل به ما بگوید که «شهر خودش» و «شهر یارش» یکی هستند.

شاید این پرسش پیش آید که به هر صورت وقتی در این دنیا هستیم در بند جسم عنصری (جسم مادی) هستیم و با این وجود اساسا سفر و عزیمت به آن دیار غیرممکن است پس چرا شاعر

تقریبا همان معانی بیت مطلع را دارد و یا در ادامه آن معانی هستند و آن ابیات اینها هستند: **غم غربی و غربت چو برنمی‌تابم**
به شهر خود زوم و شهریار خود باشم
ز محرمان سرسرابده وصال شوم
ز بسندگان خداوندگار خود باشم

چنان که عرض شد بیت دوم غزل نیز به نوعی تکرار همان معانی بیت مطلع است و نیز موبد آنچه در بررسی بیت نخست عرض شد. این بیت به شکلی زیبا تأییدکننده مطالب قبل است اگر به مواردی نظیر «غم غربی» و «غربت» نگاهی دقیق داشته باشیم. اگر خاطر مبارکتان باشد در نوبت قبل به عرض رسید که حافظ تقریبا تمام عمرش را در زادگاهش و اطراف آن گذرانده و چندان سفری نداشته است. در این مورد یک بیت از غزلی دیگر از حافظ ذکر شد که در آن به صراحت شاعر به عدم سفر اشاره کرده است: «من کز وطن سفر نگزیدم به عمر خویش» برای عدم تکرار مطالب نوبت قبل از ذکر مواردی که پیش‌تر تقدیم شده پرهیز می‌کنم و سراغ برخی

موارد تکمیلی می‌روم. سؤال این است که چرا شاعر شیرین‌سخن ما با وجود آنکه در زادگاه و موطنش به سر می‌برده و لذا در میان دوستان و آشنایان و اقوامش بوده چنین از «غم غربی» و «غربت» سخن می‌گوید؟! اگر به خاطر داشته باشید در یکی از نوبت‌های این سلسله مطالب به این موضوع اشاره کردم که پس از آنکه روح آدمی از قید و بند جسم رها می‌شود معمولا دو حالت به آدمی دست می‌دهد. نخستین حالت حیرت و تعجب است. از اینکه خود را (در حقیقت جمش را) می‌بیند که مثلا بر زمین افتاده بدون هیچ حرکتی... و حالت دیگر حس آزاد شدن و راهی است. از اینکه می‌بیند آن جسم ضعیف و آسیب‌پذیر و آن تحمل ریج و مشقت تنها یک لباس بوده که برای مدتی بر او پوشانده بودند. وقوف او بر نکاتی از این قبیل و... به او کمک می‌کند که به یاد

مطالعه کرده و بشناسیم. در تقسیم‌بندی فوق نیز آنچه به عنوان ملاک مطرح بوده چیزی است که آن را «روح زمانه» می‌گویند. از مبثت رسول اسلام(ص) تا رحلت ملاصدرا شیوازی دوره‌ای است که از آن به عنوان یکی از ادوار تاریخی یاد می‌شود. فلاسفه معتقد به این تقسیم‌بندی می‌گویند هر کدام از این ادوار یا در سیطره اسماه جمالی خداوند هستند و یا اسماه جلالی دوره‌ای که اکنون از آن یاد کرده‌ام دوره‌ای بوده که تحت سیطره اسماه جمالی حضرت حق بوده است و لذا در آن می‌توان رشد و پیشرفت شایان توجه مسلمانان و به طور کلی مومنین به وجود خداوند و رسالت انبیا را دید. در دوره سیطره اسماه جمالی حضرت حق گوئی آسمان به زمین نزدیک‌تر است و درهای فیوضات بازتر هستند. در چنین دوره‌ای ارتباط عالم خیال که سرچشمه الهامات به هنرمندان و شعرا هست با ایشان فعال‌تر است و لذا در میان اشاعر اشعاران این دوره بیشتر می‌توان رمز و رموزات پنهان را یافت.

چنان که می‌دانیم جناب صدرالمتهالین، ملاصدرا شیرازی، ستاره پرفروغ آسمان علم و معرفت در دوره صفویه می‌زیست. از حدود ۲۰۰ سال قبل از ملاصدرا جریان رنسانس در اروپا آغاز شده بود و خاصه در اواسط و اواخر دوره صفویه مرادوات اروپای متأثر از رنسانس با ایران رو به گسترش بود. به تدریج این مرادوات تأثیرات فرهنگی و اعتقادی خویش را به جا می‌گذاشت. پیدایش رنسانس در اروپا نشان‌دهنده این بود که «روح زمانه‌ای» تازه در حال تولد است. روح زمانه‌ای که انسان مغرور از پیشرفت‌های علمی می‌خواست آن را تمام قد علیه دین و بنیان‌های دینی سامان دهد. پر واضح است که چنین دوره‌ای دوره سیطره اسماه جلالی حضرت حق باید باشد. درباره ارتباط ادوار تاریخی، عالم خیال و تخلص مطالبی دیگر هم هست که در نوبتی دیگر به عرض خواهد رسید اگر خدای تعالی عمر و توفیقی دهد.

تنها برای پایان دادن به این مبثت این را بیان کنم که به عقیده این قلم الکن، همزمان با وقوع انقلاب اسلامی ایران شمیع تولد روح زمانه‌ای نو به مشام رسیده است. دوره‌ای که ان‌شاءالله دوره سیطره اسماء جمالی حضرت حق باشد. چرا که در چنین حالتی می‌توانیم انتظار داشته باشیم که تمدن اسلامی نوظهور را داشته باشیم. تمدنی که امیدواریم فرماینده آن به زودی از پشت پرده غیب به او آمده و قلوب مشتاقان خویش را سرشار از شادی و شغف و شکرگزاری نماید. ان‌شاءالله.

در نوبت قبل مطلع غزل حضرت استاد را مورد کاوز قرار دادم و اکنون با امید به لطف پروردگار به ادامه غزل بنگریم. بیت دوم و سوم غزل مورد بحث

اگر از من بپرسند زیرکانه‌ترین و زندانه‌ترین کار استثمارگران غربی چه بوده در پاسخ خواهم گفت به گمان من اینکه آنها توانستند در طی یکی، دو قرن همه چیزهای لازم را چنان‌کنار هم قرار دهند که خروجی آن این شود که مردمان ساکن غرب آسیا و شمال آفریقا، خاصه مسلمانان، بنیان و زیربنای فکری‌شان این باشد که مسلمانان همواره باید مصرف‌کننده علم و فن‌آوری تولید شده در غرب باشند و پیشرفت علمی جامه‌ای است که آن را دست تقدیر بر قلاصت «ز ما بهتران!» (یعنی غربی‌های و غیرمسلمانان) دوخته است. بر همین اساس است که اگر در میان جمعی از دوستان، آشنایان، اقوام، همکاران و... سخن از دوره طلایی تمدن اسلامی به میان آید با شور و حرارت در آن باره هر آنچه که مربوط به آن میبت است و آن را به مدد ربلاوریاب آموختام با دیگران به اشتراک می‌گذارم. چیزهایی که گاه سبب حیرت و تعجب بسیاری زباید دیگران می‌شود. اما چه شد که در مداخل این ایستگاه از حاشیه‌نگاری بر ابیات حضرت استاد (که خدایش با امیرالمؤمنین(ع) معشور نماید) این سخنان به میان آمد؟ علت در یک سؤال است که از قضا پرسش بسیار مهمی است که پاسخ آن حقایق معرفت‌شناسانه را دربر می‌گیرد.

در نوبت قبل، بیشتر حجم سهم هفته‌ی این ویژه‌ها به موضوعی اختصاص یافت که در شعر حافظ از آن با عنوان «یار خود» و «کوی یار» یاد شده بود. اگر در میان اشاعر حافظ به جست‌وجو بپردازیم خواهیم دید که حجم قابل توجهی از میان آنها به طرق گوناگون به موضوع فوق‌الذکر اختصاص دارد. چیزی که در زندگی حافظ وجود دارد و راه را بر تعبیر دیگری می‌بندد این است که او تقریبا تمام عمرش را در همان محدوده زادگاهش سپری کرده است. به غیر از حافظ این موضوع در میان اشاعران دیگر در آن دوران نیز از بسامد بالایی برخوردار است و این قلم به بیضاعت نیز نمونه‌هایی از آن میان (از دیگر شعرا) ذکر کرد.

چرا در آن دوران مواردی از این دست (اه و افسوس برای جایی که به آن وطن می‌گویند) در میان اشعاران وجود داشته است؟ پاسخ این سؤال از طریقی با آنچه در مداخل این نوبت به عرض رسید در ارتباط است. در نظرات برخی فلاسفه نوعی تقسیم‌بندی تاریخ وجود دارد که از آن با عنوانی مانند «ادوار تاریخی» یاد می‌شود. هر تقسیم‌بندی بر اساس ملاک یا ملاک‌هایی صورت می‌گیرد و این تقسیم‌بندی نیز پس نرای تفکر، قضاوت درباره آن و نیز کسب شناخت و معرفت بیشتر نسبت به آن تقسیم‌بندی، باید ملاک‌های منظر را به خوبی

شوق — غرب		شمال		جنوب		مرکز		۳۳۱۱۰۲۰۲		۳۳۱۱۳۵۱۹		۳۳۱۱۰۲۱۰		۳۳۱۱۸۰۵۰	
برگ سبز موتورسیکلت کوبر ۱۲۵CDI به شماره پلاک ۳۱۵۵ - ایران ۸۵۳ به رنگ مشکی مدل ۱۳۹۳ و شماره تنه ۱۴۵N۴۲۱۷۸۵ ه و شماره سلفی ۹۳۰۶۴۳۱۲۵N۳۱۱۱۲۵۴۳۱۱	۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹	شهریار	۲۲۶۰۳۶۳۵	قلهک	۲۳۹۶۲۲۳۳ - ۲۳۹۶۲۲۱۱	سعدی	۳۳۱۱۲۱۹۳	۳۳۱۱۱۸۰۵۲	۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۸۰۵۰	
	۶۵۲۲۹۹۳۳		۲۲۷۱۲۹۷۶	شمیران	۲۶۲۵۷۰۷۴	شرق استان تهران	۳۳۱۱۲۳۹۱	۳۳۹۱۱۵۶۸	۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۸۰۵۰	
	۰۲۶-۲۲۲۲۶۰۱۳-۲۲۲۲۴۴۱۱	کرج	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲	مظهری	۵۶۴۴۴۴۲۳	اسلامشهر	۳۳۱۱۳۰۸۵	۳۳۱۱۹۳۳۶	۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۸۰۵۰	
	۷۶۳۲۲۹۳۸	دماوند	۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱-۶۶۵۹۳۰۱۰	شهرآر	۵۶۳۵۹۵۹۸	چهاردانگه	۳۳۹۴۲۰۰۰	۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۸۰۵۰	

نیازمندی های کیهان	
تول رگتی تلفنی از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر تلفن: ۰۵-۳۳۱۱۲۲۹۲ فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳ niyaz.mandiha@kayhan.ir	
دعوت به همکاری مؤسسه‌ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.	
● واحد فنی : ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم به بالا	
● واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم به بالا	
● نگهبان : جهت تکمیل کادر انتظامات - ۳ نفر مرد با تحصیلات دیپلم به بالا	
● واحد توزیع : ۳ نفر مرد (ترجیحا با وسیله نقلیه)	
● امور مالی : ۳ نفر مرد - با مدرک تحصیلی لیسانس حسابداری	
● امور اداری : ۳ نفر مرد - با مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا	
آشنایی מתقدماتی واحدهای مالی و اداری با نرم‌افزارهای مربوطه الزامی است.	
واحدین شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن: ۳۳۱۱۸۳۳۳-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.	
	متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کتای و ارداتوی مادماتوی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص UK ۰۱۳۳۷۶۵۷۶
تاریخ تولد: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۰
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی ملارد	
تاریخ تولد: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۰
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی ملارد	
تاریخ تولد: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۰
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی ملارد	
تاریخ تولد: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۰
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی ملارد	

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۲

- ۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
- ۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمایید.
- ۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
- ۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
- ۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره ۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸ با ذکر مشخصات در کانال تلگرام قرار داده به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: نام خانوادگی: نوع نشریه: تعداد نسخه: مدت: ماه
مبلغ پرداختی: ریال شماره فیش بانکی: تلفن: تلفن همراه:
آدرس: کد پستی: پست الکترونیکی:

تلفن: ۰۲۱-۳۳۱۱۰۲۲۷۸-۳۵۲ | تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۱۰۹۲۲۷

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان کار خود را گسترش دهید